ارباب حلقه‌ها

کاندیدای جایزه تونی درگذشت

مجتبی پورمحسن: ماکو بازیگری که به خاطر بازی در نقش ریسایتر در اولین اجرای نمایش «اورتورهای آرام» کاندیدای دریافت جایزه تونی شده بود، ۲۱ جولای در سن ۷۲سالگی بر اثر ابتلا به بیماری سرطان مری در گذشت. ماکو دهم دسامبر سال ۱۹۳۳ در کوبه ژاپن به دنیا آمد. والدین این بازیگر در آمریکا در رشته هنر تحصیل می‌کردند. بنابراین او دوران کودکی‌اش را نزد پدربزرگ و مادربزرگش گذراند. در ایام جوانی پس از عزیمت به آمریکا، تحصیلاتش را در رشته آرشیتکت رها کرد تا در ارتش خدمت کند. در آنجا ماکو چند نمایش برای هم‌قطارانش اجرا کرد و نهایتاً به این نتیجه رسید که در آینده به جای کار در رشته آرشیتکت به بازیگری بپردازد. او پس از پایان جنگ بازیگری را در پاراداینا کامیونتی پلی‌هاوس کالیفرنیا آغاز کرد. علاوه بر بازی در نقش ریسایتر در موزیکال «اورتورهای آرام» در سال ۱۹۷۶، ماکو در سال ۱۹۹۲ در نمایش «شیمادا» نیز حضور درخشانی داشت، او در آف‌برادوی در نمایش «تب زرد» بازی کرد و بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۹ به عنوان کارگردان هنری در گروه تئاتر ایست‌وست لس‌آنجلس مشغول به کار بود. ایست‌وست اولین گروه تئاتر آسیایی - آمریکایی بود که در ایالات متحده تاسیس شد. ماکو در بیش از ۱۳۵ فیلم و شوی تلویزیونی نقش‌آفرینی کرد و در سال ۱۹۶۶ به خاطر بازی در فیلمی به کارگردانی رابرت وایز کاندیدای دریافت جایزه اسکار شد. «زندانی‌ها»، «طلوع خورشید قرمز»، «پرل هاربر» و «خاطرات یک گیشا» از جمله فیلم‌هایی است که در کارنامه ماکو دیده می‌شود.

ازدواج تی.اس. الیوت روی صحنه

کین و فرانسیس اوکانر در اجرای مجدد نمایش «تام و ویو» نوشته مایکل هستینگ در لندن بازی خواهند کرد. لیندسی پوسنر که اخیراً در وست‌اند نمایش «احمق به خاطر عشق» را به روی صحنه برده است، کارگردانی نمایش «تام و ویو» را برعهده خواهد داشت. این نمایش از ۱۲ سپتامبر در آلمیدا اجرا می‌شود و کنفرانس خبری نمایش نیز شب ۲۲ سپتامبر برگزار می‌شود. تام و ویو داستان رابطه تی. اس. الیوت را با همسر اولش ویوین‌های وود بازگو می‌کند. نمایش در سال ۱۹۱۵ و در کمبریج می‌گذرد، وقتی تام دانشجوی تازه فارغ‌التحصیل شده و دست و پا چلفتی دختر زیبایی به نام ویو را ملاقات می‌کند. شخصیت و کلاس اجتماعی مسحورکننده ویو در کنار شخصیت فریبنده تام آنها را به سوی رابطه‌ای عاشقانه می‌کشاند. همزمان با آغاز موفقیت‌های ادبی تام بی‌ثباتی ویو غیرقابل تحمل‌تر می‌شود. ازدواج عجولانه آن دو فرجام خوشی ندارد. کین در حالی به آلمیدا برمی‌گردد که قبلاً در همین مکان نقش سیمون را در نمایش «پنج حلقه طلایی» بازی کرده بود. در کارنامه او بازی در نمایش‌های «کشمکش»، «دون ژوان و مرد و سوپرمن» و «کرانه اتوپیا» و فیلم‌های «عشق و مصیبت‌های دیگر» و «۹ زندگی توماس کتز» وجود دارد. اکانر نیز قبلاً در نمایش‌های «گربه روی شیروانی داغ» و «بانویی از دریا» بازی کرده است. «اهمیت ارنست بودن» و «هوش مصنوعی» از جمله فیلم‌هایی است که فرانسیس اکانر در آنها به ایفای نقش پرداخته است. طراحی صحنه نمایش «تام و ویو» برعهده جیلز کدل خواهد بود. ضمن اینکه نیل آستین نورپردازی آن را انجام می‌دهد.

خبر

سمندریان و تشریح معضلات تئاتر

نشست هفتگی انجمن کارگردانان خانه تئاتر با عنوان «بررسی راهکارهای برون‌رفت از معضلات تولید تئاتر» با حضور حمید سمندریان برگزار شد. کیومرث مرادی عضو انجمن کارگردانان خانه تئاتر با اعلام این خبر در گفت‌وگو با سایت ایران تئاتر گفت: «این نشست با حضور کارگردانان پیشکسوت و جوان تئاتر و با هدف بررسی معضلات نمایش کشور برگزار شد.» در این نشست حمید سمندریان با اشاره به کمبود سالن تئاتر در کشور اظهار کرد: «متاسفانه طی چند دهه گذشته ما شاهد ساخت و به وجود آمدن سالن جدیدی برای تئاتر نبوده‌ایم و سالن‌های موجود نیز از کیفیت مطلوبی برخوردار نیستند.» وی یکی دیگر از مشکلات تئاتر را هنرمندان این هنر دانست و گفت: «متاسفانه تئاتر ما با کمبود هنرپیشه مواجه است، چرا که برخی مواقع از هنرپیشه‌ای برای حضور در نمایش دعوت می‌شود ولی هنرپیشه مورد نظر مشغول پروژه‌ای تصویری است و تئاتر در اولویت دوم و سوم برای او محسوب می‌شود، در حالی که در گذشته تئاتر برای هنرمندان این هنر اولویت داشت.» وی تصریح کرد: «سومین مشکل موجود در عرصه تئاتر، بودجه محدود این هنر است. ما باید توجه داشته باشیم چنان چه تولید تئاتر وجود نداشته باشد فعالیت‌های حاشیه‌ای آن از قبیل مجلات و فصلنامه‌های تئاتری نیز وجود نخواهد داشت، بنابراین باید بودجه تولید تئاتر به سطح مناسبی برسد.»

گفتنی است این نشست با حضور سهراب سلیمی، دکتر کمال‌الدین شفیعی، حمید لیقوان، مسعود موسوی، کیومرث مرادی، شکرخدا گودرزی، نادر برهانی‌مرند و حمید سمندریان برگزار شد. جلسه بعدی نیز دو هفته آینده ساعت ۱۶ تا ۱۸ برگزار خواهد شد که احتمالاً دکتر علی رفیعی در این نشست حضور خواهد داشت.

لزوم بازنگری نقادانه به مدیریت استراتژیک تئاتر

در مثلث جایگاه خالی داریم

بهروز غریب‌پور

نمایی از نمایش ایکارو به کارگردانی بهروز غریب‌پور عکس: میلاد پیامی، شرق

■ **تفکر یونانی و مثلث راه‌گشا**

متاسفانه بحث مدیریت در کشور ما آسان گرفته شده است و به همین دلیل برگزارکنندگان این جلسات تحت عناوین مختلف به این مسئله پرداخته‌اند. در آغاز سخن برمی‌گردم به دوران یونان باستان. یونانی‌ها معتقد بودند که مدرسه برای تربیت کودکان لازم است. اساساً تربیت برای آحاد جامعه لازم است. اما گفته زیباتری داشتند: «تئاتر مدرسه بزرگسالان است» و این اعتقاد عمیق خود را بیان می‌کردند که «بشر همواره نیازمند تربیت است.» گاه مستقیم (مدرسه و دانشگاه) و گاه از طریق فضاهایی که چنین شکل و ساختاری ندارند. ما هنوز در دنیا از تبعات این نوع نگرش بهره‌مندیم. حال باید دید اینها شعار است یا در گوشه‌گوشه جامعه تسری پیدا می‌کند. یونانی‌ها زمان برگزاری جشنواره به تعدادی از کارها جایزه می‌دادند اما از روز بعد از جشنواره، به فکر جشنواره بعدی بودند. هر جشنواره برای خودش هیات رئیسه داشت و به دلیل اهمیت موضوع، حاکم وقت رئیس جشنواره می‌شد. این شعار از یک سو، تجلی اندیشه‌ای عمیق است و از سوی دیگر، مهم‌ترین ارکان جامعه با این موضوع درگیرند. در همه تمدن‌های گذشته، نمایش با این نگاه پیشرفت کرده و هیچ‌گاه غیرموثر تلقی نمی‌شده است، بنابراین به اندازه تاثیرش به آن بها می‌دادند. بنابراین اندیشه و فلسفه یونان بر کره زمین سیطره دارد حتی اگر آن را رد کنیم. از این رو است که «ادیپ» و «الکترا» هنوز اجرا می‌شوند. آن فکر درست پایه‌گذاری شده که امروز نمی‌توانیم خود را از این سیطره رها کنیم. تصور کنید مثلثی داریم که یک راس‌اش برگزارکنندگان هستند، یک راس مخاطبین و راس دیگر گروه تولید. این مثلث می‌تواند مانند یک واحد سنجش عمل کند. در واقع برای بررسی انواع تئاتر با این مثلث، باید سئوال کرد مدیران چه کسانی هستند؟ مخاطبان چه کسانی هستند؟ و مجریان چه کسانی هستند؟

■ **از کی باب شد راجع به مدیریت فکر کنیم؟**

به طور مثال در تعزیه، تکلیف روشن بود. چه به لحاظ معماری و ساخت بنای محل اجرا (تکیه) و چه به لحاظ بودجه. مخاطب هم تکلیف‌اش روشن بود. قصدش هم شفای روانی بوده و هم ادای دین. ارتباط خود و خالق را تعریف می‌کرد و برای نیات مذهبی و ارضای خاطر می‌آمد. کسی هم اگر تخلفی می‌کرد جریان آن قدر قوی بود که او را پس می‌زد چون همه نکات درست تعریف شده بود.

اما از سوی دیگر، خوانندگان تا زمانی که بر صحنه بودند، مقدس بودند اما بیرون از صحنه از شأن و مرتبت بالایی برخوردار نبودند جز دوره قاجار که بعضاً از شأن درباری برخوردار بودند. در مورد تخته حوضی هم تکلیف معلوم بود. جامعه برای مقلدین ارزشی قائل نبود ولی به کارهای‌شان می‌خندیدند. اگر کسی می‌گفت «بازیگرم» در محافل راه‌اش نمی‌دادند یا از او دوری می‌کردند. حالا اگر آن مثلث را برای تئاتر دوره قاجاریه استفاده کنیم، با فاجعه مواجه می‌شویم. همه دستور می‌دهند، کارگردان اصلاً مطرح نیست، بازیگر جایگاه ندارد و مخاطب نیز جمع خاصی‌اند. در این شرایط مدیریت اصلاً معنا ندارد. فاصله که می‌گیریم، می‌بینیم اوضاع آن آشفته‌بازار بدتر می‌شود. گروه‌ها بیشتر و مکان‌ها پراکنده می‌شوند و نظام انسجام پیدا نمی‌کند که به نسل بعد برسد. در این زمان برای بعضی از رجال قاجاریه سئوال مطرح می‌شود که تئاتر چیست؟ ساختار اجرایی تماشاخانه چگونه است؟ مردم چرا تئاتر می‌روند و دولت چگونه حمایت می‌کند؟ جواب‌هایی هم می‌گیرند.

■ **مدیر یا مطیع**

در بخشی از گزارش سفر میرزا مصطفی افشار در دوره قاجاریه آمده: «... و منظور دولت در بنای تماشاخانه‌ها و اشاعه این همه عشرت‌ها، قطع نظر از تجملات ولایت، این است که مردم بیکار که در هر ملکی از آن ناچار است مشغله داشته چنانکه عادت بیکاران است در پی عیب‌جویی دولت و دولتیان نباشند که ازین رهگذر فسادها در امور دولت پدید آید زیرا که حرف و سخن را چنانکه به تجربه رسیده و حکما نوشته‌اند در مزاج‌ها تاثیر عظیم است و همین که مردم کارطلب بیکار شدند لامحاله زبان به عیب‌گویی باز کرده دل بر عیب‌جویی می‌بندند...» ناگهان این تصور پیش می‌آید که دولت می‌خواهد با تئاتر وقت مردم را بگیرد که در کار سیاست فضولی نکنند. میرزا فتحعلی آخوندزاده می‌گوید تئاتر برای روشنگری است و باید عیب دولت و حکومت گفته شود تا جامعه رشد کند. در عین حال محافظه‌کار هم بوده و اصلاً به براندازی فکر نمی‌کرده تا جایی که به شاگردش میرزا آقا تبریزی امر می‌کند که «تند ننویس و بگذار این قلم بچرخد.» منتها تصور ما از تئاتر دو گونه است؛ روشنگر و غافل‌کننده. مدیریت کجاست؟ حکومت است و حکومت به دلیل فساد، نمی‌خواهد کسی موی دماغ‌اش شود. تئاترها مملو از رقص و آواز است که آن هم از مرزی نباید تجاوز کند. حالا این دستگاه فرهنگی، برای هدایت این قضیه فردی را می‌گذارد که دیگر مدیر نیست چون فکر ندارد، مطیع است. در آن شرایط دسته‌های مطرب‌ها دارای سندیکاهای کمابیش قوی بودند و بین خودشان ارتباط حرفه‌ای داشتند تا حق‌شان ضایع نشود. اینجاست که مدیریت تبدیل می‌شود به نظم و سلسله‌مراتب تا امورات یک عده‌ای بگذرد. پس در مثلث جایگاه خالی داریم. در دوره پهلوی نیز مدیر تبدیل می‌شود به آقا بالاسر که ضعیف‌ترین تعریف از مدیر است. این مثلث می‌تواند اشکال کار ما را نشان دهد که نه تعریف درستی داریم و نه از طریق آثار، جایگاهی در میان توده مردم یافته‌ایم. آیت‌الله بروجردی گفته بود تعزیه حرام است. گروهی می‌روند از ایشان فتوا بگیرند و ایشان جواب رد می‌دهد. رهبر گروه کمی فکر می‌کند و می‌گوید: ۱۰ روز امام حسین مرجع تقلید ماست. پهلوی‌ها هم مدتی تعزیه‌خوانی را منع کرده‌اند اما بعد ناچار شدند آزاد بگذارند. دلیل این امر جایگاه تثبیت‌شده تعزیه بود. در ایتالیا باید اپرا باشد، در هند باید بن راکو باشد چون ریشه و جایگاه دارد. در ایران اگر تئاتر نباشد کک خیلی‌ها نمی‌گزد چون ما هنوز جایگاه مردمی نداریم. حتی عده‌ای سعی می‌کنند آن قدر این تئاتر را تضعیف کنند که اگر از بین رفت بگویند چیزی نبوده که از بین برود.

■ **«مدیریت استراتژیک تئاتر» یا «چرا در جهان به تئاتر بها می‌دهند؟»**

تئاتر به تدریج به همه جوامع ثابت کرده از ستایش محض تا انتقاد محض را می‌تواند در خود داشته باشد. ثابت کرد از خنده صرف تا مویه صرف را در خود دارد. می‌تواند هشداردهنده و تکان‌دهنده باشد یا مخدر. اما دیدند بشر بدون تئاتر نمی‌تواند زنده باشد. حال مدیریت باید جایگاه تئاتر را تعریف کند و به میان جامعه ببرد. از یک کارگر آلمانی در مورد برتولت برشت پرسیدم. او اصلاً برشت را نمی‌شناخت و به تئاتر هم نمی‌رفت. سیستم مدیریتی هم می‌بیند که در این شرایط ممکن است این کارگر فاسد شده و تبدیل به عنصر نامطلوب شود. بنابراین تئاتر نوع خودش را تولید می‌کند. در دوره قاجاریه تئاتر خانگی زنانه داشتیم اما گسیخته عمل می‌کردیم. این نوع نمایش از بین رفت درحالی که بعضی از سوژه‌ها فوق‌العاده بودند. انواع نمایش، مخاطب خودش را تعریف می‌کند. در غرب این طبقه‌بندی‌ها صورت گرفته و به این دلیل است که نخبگان جامعه به تئاتر فرهیختگان بها می‌دهند. جوامع وقتی به این نتیجه رسیدند که تئاتر توانایی‌های زیادی دارد، انواع‌اش در دستگاه فرهنگی مورد توجه قرار گرفت و برای پراکندگی‌اش تصمیم گرفته شد. این یعنی مدیریت استراتژیک تئاتر.

■ **اقتصاد و مدیریت**

به لحاظ جامعه‌شناسی، جامعه به نهادهای خانواده، فرهنگ، اقتصاد و مذهب تقسیم‌بندی می‌شود. فرض کنید علما بخواهند برای مساجد بلیت بفروشند. می‌توانیم این کار را انجام دهیم اما نهاد مذهب را نابود می‌کنیم. یعنی وقتی از تئاتر خواستید پول درآورد فاتحه‌اش را بخوانید. در نهاد فرهنگ تعریف شده که اگر بخواهید هویت ملی را حفظ کنید به تئاتر نیاز دارید پس اگر هزینه نکنید هویت و حکومت و ملت ندارید. مدیریت استراتژیک تئاتر تصمیم می‌گیرد همه آحاد ملت از تئاتر برخوردار باشد اما قرار نیست همه یک سوژه را تعقیب کنند. آشفتگی تئاتر ما این است که همه به تئاتر شهر حمله می‌کنند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ۴ شیوه تولید دولتی، خصوصی، نیمه‌دولتی و تعاونی داریم. داشتن این شیوه‌ها در هنر احتیاج به زمان دارد.

■ **جریان منتقدین**

در آن مثلث چه کسانی شما را نقد می‌کنند؟ واقعیت این است که ما دستگاهی به نام نقد نداشتیم. خان‌ملک ساسانی در یکی از نقدهایش چنین می‌گوید: «... بعد از مجنون پدر مجنون به خوبی از عهده رل خود برآمد. و راستی نمی‌شود حدس زد که بازی‌کننده آن جوان بوده به قدری خوب رل یک پیر دل‌شکسته را ایفا نمود که چندین مرتبه مورد تحسین واقع شد. بعد از پدر ابن‌السلام حائز اهمیت بود. در خاتمه شنیدیم یکی دو دسته گل به لیلی و بازیکنان دیگر تقدیم شد و از قراری که می‌گفتند مادام پری یک قلم خودنویس طلا به بازی‌کننده رل مجنون به عنوان تشویق و جایزه تقدیم کرده بودند...»

■ **لزوم رسیدن به معیار**

ما به صورت غیرسازمان یافته خیلی کار کردیم. کشورهای دیگر آسیا به اندازه ایران نیروی تئاتر و علاقه‌مند ندارند اما پراکندگی و نداشتن مدیریت استراتژیک این قوا را رو به تحلیل می‌برد. اگر چاره‌اندیشی نشود این سرمایه از بین خواهد رفت. وقتی میرزا فتحعلی آخوندزاده به عنوان مولیر شرق معرفی شده است پس ما نباید از صفر آغاز کنیم. باید تجدید قوا و هدایت قوا کنیم. در فستیوال‌ها با نیروهای خوب شرکت می‌کنیم اما غالباً می‌درخشند و بعد خاموش می‌شوند. ما نیازمند بازنگری منتقدانه به مدیریت استراتژیک تئاتر هستیم. مدیریت استراتژیک، مدیریتی است که با توجه به رخدادها و اندوخته‌ها و مهارت‌ها و دانش‌های علمی، هنری و تئوریک جامعه، نوعی برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفی و کمی همه عناصر تشکیل‌دهنده تئاتر را در طراحی خود شرکت دهد تا به یک معیار برسد.

گزارشی تحلیلی از حضور تئاتر ایران در عرصه بین‌الملل

تجربه‌های اخیر

رضا آشفته

اگر نگاهی اجمالی به عملکرد امور بین‌الملل مرکز هنرهای نمایشی در ۴ ماهه اول سال ۸۵ بیندازیم، با توجه به حجم ارتباطات و حضور افراد و آثار نمایشی در کشورهای مختلف درمی‌یابیم که تئاتر کشورمان حضور پررنگی در دنیا داشته است. البته در برخی از این حضورها نیز کیفیت بالا دال بر ارتقای سطح کیفی تئاتر کشورمان می‌تواند باشد. در ادامه به فعالیت‌های امور بین‌الملل می‌پردازیم.

■ **رایزنی‌ها و مذاکرات**

۱- امور بین‌الملل مرکز هنرهای نمایشی فعالیت خود را جهت برگزاری یازدهمین جشنواره بین‌المللی عروسکی از اواسط اردیبهشت ماه آغاز کرده است. این فعالیت‌ها شامل ارسال فراخوان به تمامی نمایندگی‌های فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، تمامی سفارتخانه‌های خارجی در تهران و نیز ارسال فراخوان به حدود چهارصد گروه نمایش عروسکی در سراسر جهان است. علاوه بر این، دفتر امور بین‌الملل در حال جمع‌آوری نمایش‌های عروسکی خارجی است که این آثار در اختیار هیات بازبینی و انتخاب جشنواره عروسکی تهران قرار می‌گیرد. به جز این از نمایش‌ها، مدیران جشنواره‌های عروسکی جهان و متخصصان این گونه نمایش دعوت به عمل آمده تا در برگزاری کارگاه آموزشی حضور به‌هم رسانند.

۲- امور بین‌الملل مرکز هنرهای نمایشی از چندی پیش فعالیت خود را جهت برگزاری بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با ارسال فراخوان به گروه‌ها و مراکز مختلف بین‌المللی آغاز کرده است.

۳- این دفتر در تلاش است تا با مذاکره با گروه‌های نمایشی از کشورهای آلمان، ایتالیا، فرانسه، اسپانیا و ارمنستان به تولید مشترک دست یابد.

۴- از دیگر فعالیت‌های دفتر امور بین‌الملل مرکز هنرهای نمایشی مذاکره با گروه‌های معتبر بین‌المللی برای اجرای عمومی در شش‌ماه دوم سال جاری است.

۵- امور بین‌الملل مرکز هنرهای نمایشی با انجام مذاکراتی در تلاش است تا نشست‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی توسط هنرمندان و متخصصان بین‌المللی را در ایران برگزار کند. امروز تئاتر ایران و متولیان آن بهتر و بیشتر از گذشته با مراکز فرهنگی و تولید تئاتر و جشنواره‌های بین‌المللی ارتباط برقرار می‌کنند و با فرستادن نمونه کار با ارتباطات قبلی زمینه حضور خود را برای اجراهای عمومی و جشنواره‌ای فراهم می‌سازند.

■ **نمایش‌های موفق**

امیررضا کوهستانی از جمله کارگردانان جوان و نوجویی است که از سال ۸۱ تاکنون اجراهای زیادی را به مناسبت‌های مختلف در کشورهای دنیا اجرا کرده است. او امسال از یکم تا چهارم فروردین ماه نمایش «رقص روی لیوان‌ها» را در «Le Lieu Unique» فرانسه و از ۴ تا ۵ فروردین ماه نمایش «تجربه‌های اخیر» را در Maison Des Arts اجرا کرد. محمد رحمانیان نیز از جمله کارگردان‌هایی است که حضور پررنگی در جشنواره‌های دانشجویی و تئاترهای کشورهای مختلف داشته است. او امسال از ۲۶ اردیبهشت تا ۹ خرداد با نمایش «تارتوف» در چهارمین کنفرانس بین‌المللی کارگردانان مدارس هنری حضور داشت. «فنز» به نویسندگی و کارگردانی محمد رحمانیان تاکنون حضور چشمگیر و قابل تحسین را در شهرهای مختلف اروپا و کانادا پشت سر گذاشته است. این نمایش از ۱۲ خرداد در دانشگاه کارلتون اوتاوا، ۱۵ خرداد در دانشگاه یورک تورنتو، ۱۶ تا ۱۸ خرداد در سالن مرکز ارامنه در تورنتو و ۱۹ خرداد ماه در ونکوور کانادا اجرا داشت. مهتاب نصیرپور، حبیب رضایی، ترانه علیدوستی، احمد مهران‌پور و محمد رحمانیان بازیگران «فنز» در اجراهای کانادا بوده‌اند. ابوالفضل دژاکام با نمایش «عروسی خون» از ۲۶ اردیبهشت تا ۹ خرداد در چهارمین کنفرانس بین‌المللی کارگردانان مدارس هنری (فیلیپین) و از ۱۲ تا ۲۵ تیر ماه با نمایش «مده‌آ» و «اشباح» در جشنواره بین‌المللی کارگاه‌های آموزشی مدارس هنری سینایا (رومانی) شرکت کرد.

■ **حضور افراد**

بهروز غریب‌پور به همراه علی پاکدست و فریندخت زاهدی از ۴ تا ۱۴ فروردین به بازبینی نمایش‌های عروسکی در لهستان پرداختند. او همچنین از ۱۱ تا ۲۰ خرداد ماه به عنوان داور جشنواره جهانی هنرهای عروسکی در جمهوری چک حضور یافت. این نوع حضورها دلالت بر تثبیت نمایشگران عروسکی و فرهیختگان تئاتری ایران به عنوان افراد مجرب و متخصص در سطوح بین‌المللی می‌کند. مطمئناً اگر از سال‌ها قبل چنین ارتباطاتی شکل نمی‌گرفت، تئاتر دنیا از حضور فعالان و کارشناسان مجرب غافل می‌ماند.

سعدی افشار پیرمردی که سال‌ها در تئاترهای سنتی (روحوضی) به عنوان «سیاه» بازی کرده است. امروز تبدیل به یکی از چهره‌های قابل استناد در تئاتر دنیا تبدیل شده است، چنان چه در سال گذشته توسط آرین منوشکین به پاریس دعوت شد و امسال به بهانه نمایش فیلم هنر سیاه‌بازی در اردیبهشت‌ماه ۸۵ به برزیل سفر کرد. وی این سفر را مثبت ارزیابی کرد و گفت: «چند جلسه سخنرانی برای جوانان برزیلی داشتم و درباره فوت و فن سیاه بازی برای آنان توضیح دادم.» آتیلا پسیانی درباره تئاتر تجربی ایران روزهای ۱۷ و ۱۸ خرداد در هنگ‌کنگ سخنرانی کرد. جواد ذوالفقاری در جشنواره یوروفست ۲۰۰۶ (لهستان) از ۱۲ تا ۱۹ خرداد ماه شرکت کرد. حسین پارسایی رئیس مرکز هنرهای نمایشی و مجید سرسنگی مدیر گروه هنرهای نمایشی دانشکده هنرهای زیبا از ۲ تا ۸ اردیبهشت ماه در سی‌ویکمین نشست جهانی ITI (فیلیپین) حضور یافتند.

■ **اعتبار ایرانی**

چیستا یثربی نویسنده و کارگردانی نمایش «جنایت و مکافات» از ۲۷ اردیبهشت تا ۴ خرداد در جشنواره کلاسیک روسیه شرکت کرد. در این جشنواره مهسا مهجور جایزه بهترین بازیگری را دریافت کرد و یثربی نیز لوح تقدیر گرفت. این حضور نیز با توجه به اقتباسی آزاد از رمان تئودور داستایفسکی برای روس‌ها دارای جذابیت ویژه‌ای بود.

افسانه زمانی نمایش «سه بچه خوک» را در ترکیه (دومین جشنواره بین‌المللی تئاتر اردو کودکان و نوجوانان) از ۸ تا ۱۴ خرداد ماه اجرا کرد. زهرا صبری نیز با نمایش «هشت لحظه» را در جشنواره جهانی هنرهای عروسکی (جمهوری چک) از ۱۰ تا ۲۱ شرکت کرد، این نمایش پیش از این در جشنواره دهم بین‌المللی عروسکی تهران اجرا شده بود. افشین هاشمی هم «درستکارترین قاتل دنیا» را به فلاند (جشنواره ایماترا) از ۲۲ تا ۲۹ خرداد برد. فهیمه میرزاحسینی نمایش عروسکی «پهلوان کچل» را در لهستان (دومین جشنواره عروسکی Debutf و در بخش شرق‌شناسی دانشگاه لهستان) از ۳ تا ۷ تیر ماه اجرا کرد. نغمه ثمینی در روز ۱۲ خرداد در مولهایم آلمان در برنامه «نمایشنامه‌نویسان به پیش» شرکت کرد. نمایش «گربه‌های رو بام» اواخر فروردین ماه ۸۵ در باشگاه ایرانیان دبی اجرا شد. نمایش «چتری برای من» به کارگردانی سیدسروش پیمبری از کرمانشاه در جشنواره بین‌المللی دریای سیاه (ترکیه) از ۱۱ تا ۳۳ اردیبهشت‌ماه شرکت کرد. همچنین یک گروه تئاتر عروسکی ایرانی در جشنواره تئاتر عروسکی کاغذی (مورملون ـ فرانسه) از ۲۱ تا ۲۴ اردیبهشت‌ماه شرکت داشتند. وحید نفر در هفته فرهنگ و هنر ایران در زاگرب (کرواسی) از ۲۳ تا ۳۱ اردیبهشت‌ماه نمایش «روایت آرش، کمانگیر ایرانی» را اجرا کرد. هومن شباهنگ نمایش «Awaken» را روز ۳۰ خرداد در قبرس اجرا کرد.

■ **بیست‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فرایبورگ**

بیست‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فرایبورگ آلمان از ۲۵ خرداد تا ۴ تیرماه پذیرای ۳ نمایش و گروهی از استادان و افراد برجسته تئاتری کشورمان بود. در این جشنواره نمایش‌های «۲ متر در ۲ متر جنگ» (نیما دهقان)، «تنها خدا می‌تواند مرا بیدار کند» (محمد عاقبتی) و «واقعیت اینه که خورشید دور ما می‌گردد» (سیامک احصایی) اجرا شد. نمایش «محمد عاقبتی» به تهیه‌کنندگی تئاتر فرایبورگ برای حضور در این جشنواره آماده شده بود. آتیلا پسیانی، فرهاد مهندس‌پور، قطب‌الدین صادقی، دانیال حکیمی، هادی مرزبان و محمدعلی خبری میهمان جشنواره فرایبورگ بودند.

خبرها

استاد محمد با نمایش جدیدش

محمود استاد محمد به زودی تمرین نمایش «تهرن» را که از مدت‌ها قبل قصد اجرای آن را داشت، آغاز می‌کند. محمود استاد محمد نویسنده و کارگردان این نمایش در گفت‌وگو با سایت ایران تئاتر گفت: «تهرن» به چهار تا پنج ماه تمرین نیاز دارد. البته زمان آغاز کار بستگی بسیار به پیدا کردن سالن دارد. نمی‌خواهم از مرکز هنرهای نمایشی یا برنامه‌ریزها هیچ چیز خارج از قواعد توقع کنم. می‌توانستم برای گرفتن تاریخ اجرا اصرار کنم ولی نمی‌خواهم این شبهه پیش بیاید که خارج از قاعده پیش می‌روم. وی خلاصه داستان این نمایش را چنین عنوان کرد: ««تهرن» اصطلاحی از مراسم زار است که البته نمایشنامه هیچ نگاه مستند و مثبتی به آن ندارد و به عنوان یک مراسم منحط آن را معرفی می‌کند. اتفاق در دوره استبداد صغیر، در دوره محمدعلی‌شاه و در جنوب ایران روی می‌دهد.» وی با اشاره به این که شخصیت اجرایی «تهرن» کهنه و قدیمی است، افزود: «به هیچ وجه دنبال مدرنیسم و پست‌مدرنیسم نیستم و قصد ندارم در این زمینه به تجربیات و کشفیاتی برسم. کارم خیلی کهنه و قدیمی است و روی این قضیه هم اصرار دارم، چون از این پست‌مدرنیسم تحمیلی خارج از قواعد جامعه ایران نفرت دارم.» وی که آخرین بار نمایش «دیوان تئاترال» را در تالار قشقایی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برده بود، درباره گروه بازیگران نمایش «تهرن» گفت: «مسلماً در حال حاضر افرادی را برای بازی در نظر دارم، اما شرایط تئاتر به گونه‌ای است که نمی‌توانم براساس ذوقیات یا درک و دریافت خودم همه چیز را هماهنگ کنم. در نتیجه باید ببینم چه کسانی فرصت کار دارند. اما مسلماً از بازیگر به اصطلاح سه چهار نقشی استفاده نمی‌کنم، حتی اگر مجبور شوم از بچه‌های آماتور و دانشجو استفاده کنم.»

نصیریان با سلطان و شبان

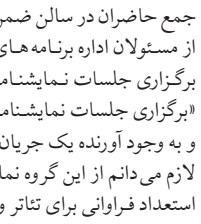

اگر موقعیت مناسبی به وجود بیاید تمایل دارم تا نمایش «سلطان و سیاه» را برای اجرای صحنه‌ای آماده کنم. علی نصیریان که در جلسه نمایشنامه‌خوانی «سلطان و سیاه» اداره برنامه‌های تئاتر شرکت کرده بود، در گفت‌وگوی اختصاصی با سایت ایران تئاتر گفت: «شاید نمایشنامه‌هایی که من نوشته‌ام چندان قابل ارائه نباشد، اما مسلماً، افرادی که امشب نمایشنامه «سلطان و سیاه» را به صورت نمایشنامه‌خوانی اجرا کردند، به بهترین نحو و با گرمی خاصی این کار را انجام دادند به طوری که نشانه‌های اجرایی صحنه‌ای که با همین گروه داشتم در آن مشهود بود.» این استاد پیشکسوت تئاتر در ادامه افزود: «نمی‌خواهم بگویم هنر و تئاتر مرز دارد، اما اگر بخواهیم تئاتر داشته باشیم باید به تئاتر خودمان بپردازیم و این بدان معنی نیست که صرفاً تئاتر سنتی، سیاه‌بازی، تعزیه و... داشته باشیم، بلکه تئاتر ملی ایران عبارت است از زندگی امروز، تاریخ و عرفان و فرهنگ و هویت ایرانی خودمان. باید به شخصیت‌های ایرانی و زندگی امروزمان بپردازیم چرا که به اعتقاد من زندگی امروز ما موضوعاتی دارد که باید روی آنها کار کرد. موضوعاتی که می‌تواند به صورت درام دربیاید و روی صحنه اجرا شود، با این حساب باید روی تئاتر ایران کار کرد، سرمایه‌گذاری کرد و روی آن تفکر کرد، هر چند که مسئله ترجمه آثار خارجی نیز باید در کنار تئاتر ایرانی وجود داشته باشد.» علی نصیریان سپس با پایان نمایشنامه‌خوانی نمایش «سلطان و سیاه» در جمع حاضران در سالن ضمن ابراز خوشحالی و تشکر از مسئولان اداره برنامه‌های تئاتر و دست‌اندرکاران برگزاری جلسات نمایشنامه‌خوانی این اداره گفت: «برگزاری جلسات نمایشنامه‌خوانی کار مفیدی است و به وجود آورنده یک جریان تئاتری است. در این جا لازم می‌دانم از این گروه نمایشی نیز تشکر کنم که از استعداد فراوانی برای تئاتر و به خصوص تئاتر سنتی برخوردار است و من افسوس می‌خورم که توان این را ندارم که کارهای دیگری اجرا کنم اما همواره چشمم به دنبال آن بوده و با دیدن این نمایشنامه‌خوانی به یاد تمام تلاش‌های این گروه نمایشی افتادم. من از تک‌تک این هنرمندان سپاسگزار و ممنونم که در این جلسه حضور پیدا کردند و با نفس گرم خود این اثر نمایشی را اجرا کردند.» وی در ادامه افزود: «متاسفانه نمایش سنتی و تخت‌حوضی که بخشی از هنر نمایشی ماست، مظلوم واقع شده و هیچ بهایی به آن داده نمی‌شود. در حالی که باید از تلاش هنرمندانی چون داود فتحعلی‌بیگی، دکتر ناصربخت و... تشکر کرد که سعی می‌کنند این شیوه نمایش ایرانی را حفظ کنند.» نصیریان با ابراز تاسف نسبت به حمایت نشدن نمایش‌های سنتی گفت: «دولت در جشنواره‌های خارجی از حضور نمایش‌های ایرانی و سنتی حمایت نمی‌کند و حتی این امکان به وجود نیامده که در شهرستان‌های مختلف کشورمان نمایش‌های سنتی اجرا شوند.» گفتنی است نمایشنامه «سلطان و سیاه» که در سال ۱۳۷۸ توسط علی نصیریان در تالار سنگلج اجرا شده این بار به کارگردانی ساسان مهرپویان در پلاتوی ۲۴ اداره برنامه‌های تئاتر توسط بازیگرانی چون علی فتحعلی، مجید افشار، ساسان مهرپویان، داود آریا، غلام باتوته، مجید فروغی، حمیدرضا شیری و علی یداللهی روخوانی شد.